امام کاظم علیه السلام

تجلی سخاوت بی پایان علوم

عزیزالله حسینی


بسم الله الرحمن الرحيم

امام کاظم علیه السلام ؛ تجلی سخاوت بی پایان علوم

نویسنده:

عزیزالله حسینی

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام کاظم علیه السلام ؛ تجلی سخاوت بی پایان علوم

مشخصات کتاب

مؤلف: عزیزالله حسینی

امام کاظم، تجلی سخاوت بی پایان علوم

هفتمین ستاره تابناک امامت و ولایت؛ ابوالحسن موسی بن جعفر (ع) یکشنبه ۷صفر ۱۲۹ه. ق (به روایتی ۱۲۸ه.ق) در روستای ابواء (منزلی میان مکه و مدینه) دیده به جهان گشود. مادر آن حضرت، حمیده مصفاة است که نامهای دیگری مانند حمیده بربریه و حمیده اندلسیه نیز برای ایشان نقل شده است. امام موسی کاظم (ع) به دلیل کثرت زهد و عبادت به «عبدالصالح» وبه دلیل حلم و فروخوردن خشم و صبر بر ناملایمات زمان، به «کاظم» معروف شد. آن حضرت به کنیه های «ابوابراهیم» و «ابوعلی» نیزمعروف بوده است. اخلاق او در علم و تواضع، مکارم اخلاق و کثرت صدقات و سخاوت و بخشندگی، مثال زدنی بود. بدان و بداندیشان را با عفو و احسان بی کران خویش تربیت می فرمود. شبها به طور ناشناس در کوچه های مدینه می گشت و به مستمندان کمک می کرد. صرار (کیسه ها) موسی بن جعفر در مدینه معروف بود. و اگر به کسی صره ای می رسید، بی نیاز می گشت لیکن در اتاقی که نماز می گزارد، جز بوریا و مصحف و شمشیر چیزی نبود. امام موسی کاظم (ع) در سن ۲۰ سالگی به امامت رسید. دوران امامت ایشان با خلافت چهار خلیفه عباسی مصادف بود، به گونه ای که این مدت در سال ۱۴۸ تا ۱۵۸ هجری قمری با خلافت منصور دوانیقی، از سال ۱۵۸ تا ۱۶۹ هجری قمری با خلافت مهدی عباسی، از سال ۱۶۹ تا ۱۷۰ هجری قمری با خلافت هادی و از سال ۱۷۰ تا ۱۸۳ هجری قمری با خلافت هارون الرشید همزمان بود و حضرت به تناسب هر دوران، عملکرد ویژه ای برای هدایت جامعه اسلامی داشتند. در دوران ۱۰ ساله همزمانی امامت حضرت با دوران خلافت منصور، به دلیل اینکه منصور خلیفه ای ظالم، هتاک و فاقد سابقه خوبی نزد شیعیان بود، امام موسی کاظم (ع) بیشتر در این دوران به برگزاری جلسات علمی و پرسش و پاسخ با شیعیان می پرداخت و مواجهه مستقیمی با حکومت نداشت. مهمترین ستمی که خلفای جور نسبت به امت اسلامی داشتند، این بود که تمامی آنها مانعی برای رسیدن حق به حقدار بودند. در این میان، مهدی عباسی برای مقبول جلوه دادن حکومت خویش در دیدگاه مردم، به بذل و بخشش بیت المال می پرداخت تا شاید به گمان خویش از این طریق رد مظالم کند و دل مردم را به دست آورد. نحوه برخورد امام کاظم (ع) با جو موجود در دوران خلافت مهدی عباسی، آکنده از نکات آموزنده است. وی، امام را در بغداد بازداشت کرد اما بر اثر خوابی که دید و نیز تحت تأثیر شخصیت امام از او عذرخواهی نمود و ایشان را به مدینه بازگرداند. امام کاظم (ع) با آنکه از جهت کثرت عبادت و زهد به «العبد الصالح» معروف بوده است، به قدری در انظار مردم مقامی والا و ارجمند داشته است که او را شایسته مقام خلافت و امامت ظاهری نیز می دانستند و همین امر موجب تشویش و اضطراب دستگاه خلافت شده و به همین دلیل مهدی عباسی فرمان حبس ایشان را صادر کرده است. دوران حکومت هارون فرزند مهدی نیز تصویری از عناد و کینه مثال زدنی حکام جور را علیه دستگاه متعالی امامت عرضه می دارد. زمخشری در «ربیع الابرار» آورده است که وی در یکی از ملاقاتها به امام پیشنهاد کرد فدک را تحویل بگیرد و حضرت نپذیرفت» وقتی اصرار زیاد کرد، فرمود می پذیرم به شرط آنکه تمام آن ملک را با حدودی که تعیین می کنم به من واگذاری، هارون گفت حدود آن چیست؟ امام فرمود یک حد آن به عدن است،حد دیگرش به سمرقند و حد سومش به افریقیه (آفریقا) و حد چهارمش کناره دریای خزر است. هارون از شنیدن این سخن سخت برآشفت و گفت: پس برای ما چه چیز باقی می ماند؟ امام فرمود: می دانستم اگر حدود فدک را تعیین کنم آن را به ما مسترد نخواهی کرد (یعنی خلافت و اداره سراسر کشور اسلام حق من است). از آن روز بود که هارون کمر به قتل موسی بن

جعفر (ع) بست. در سفر هارون به مدینه هنگام زیارت قبر رسول الله (ص) در حضور سران قریش و روسای قبایل و علما و قضات بلاد اسلام گفت: «السلام علیک یا رسول الله ، السلام علیک یا بن عم» و این را از روی فخر فروشی به دیگران گفت. امام کاظم (ع) حاضر بود و فرمود: السلام علیک یا رسول الله، السلام علیک یا ابت (یعنی سلام بر تو ای پدر من) می گویند هارون دگرگون شد و خشم در چهره اش آشکار گردید. دوران امامت امام موسی کاظم (ع) در دوران هادی عباسی و نوع برخورد حضرت با برخی قیامهای موجود در آن دوران نیز از مواردی است که در بررسی حیات طیبه امام باید بدان اشاره کرد. در این دوران چند قیام مهم از ناحیه علویان صورت گرفت که قیام حسین بن علی، شهید فخ مهمترین آنهاست. گروهی بر این عقیده اند که عدم حضور و ارتباط این قیام با امام معصوم، فلسفه اصلی آن را باطل می کند و چون معصوم در قیام حضور ندارد، لذا نمی توان آن را قیام موجهی دانست، حال آنکه عدم همراهی امام معصوم با سرکرده یک قیام لزوماً به معنای مخالفت با آن نیست، بلکه هر دوران و زمانی نوع عملکرد خاصی را می طلبد و با توجه به شرایط موجود در سال ۱۶۹ هجری قمری که قیام شهید فخ در آن رخ داد امام موسی کاظم (ع) بهترین روش مبارزه با نظام استبدادی را توسعه فرهنگ ناب اسلامی از طریق انجام کارهای علمی و تربیت شاگردانی فرهیخته برای ترویج تفکر اسلامی می دانست. دوران اسارت امام موسی کاظم (ع) متعلق به دوران خلافت هارون الرشید است؛ تاثیرها و غلبه معنوی امام بر جو موجود در جامعه کار را به جایی رسانده بود که هارون الرشید برای رهایی از تاثیرات حضرت در جامعه شیعه ایشان را زندانی کرد، اما غلبه معنوی حضرت به گونه ای بود که ایشان زندانیان را نیز تحت تاثیر خود قرار می داد و هیچ راهی جز به شهادت رساندن حضرت برای هارون الرشید باقی نمانده بود. نحوه ارتباط امام موسی کاظم (ع) با حکومت و سیاست از طریق یاران نزدیک ایشان و نوع برخورد با فرقه ها و تفکرات موجود در آن دوران از روشهای حضرت برای هدایت جامعه اسلامی است. امام (ع) در روند هدایت جامعه علوی به صورت عام و جامعه شیعی به صورت خاص توانست با نوع ارتباطی که با حکومت و سیاست از طریق یاران نزدیکشان برقرار می کرد، از جریانهای روز آگاه شود. ایشان با اینکه در حکومت دخالت نمی کرد و آن را غاصب می نامید، هرگز خود را از جریانهای سیاسی روز جدا نمی دانست. نمونه بارز نحوه ارتباط حضرت با سیاستهای روز و آگاهی به اتفاقهای حکومتی، چنانکه بعداً به آن اشاره خواهد شد، حضور «علی بن یقطین» یکی از یاران خاص ایشان در دربار هارون الرشید و به دستور ایشان بود. این نحوه ارتباط با سیاست و نحوه حکومت، نشان دهنده اهتمام ایشان برای آگاهی از وضعیت سیاسی و اجتماعی آن روز است، یعنی اسارت ایشان هیچ محدودیتی برای حضرت هدایت جامعه و آگاهی از جریانهای روز ایجاد نکرد. نحوه برخورد حضرت با فرقه ها و تفکرات روز نیز از دیگر روشهای حضرت برای هدایت جامعه اسلامی است. امام (ع) با تربیت شاگردان فرهیخته و پاسخگویی به سوالها و شبهه های موجود در جامعه به مقابله با این فرقه ها و تفکرات پرداخت و اجازه نداد تفکرات انحرافی، خللی در خط اصیل فرهنگ تشیع که از دوران امامت امام علی (ع) آغاز شده بود، ایجاد کند. حضرت امام موسی کاظم (ع) در عین اینکه تقیه را به معنای کامل آن در نظر داشت، هرگز از حق مسلم شیعیان که امامت امام معصوم به نوعی اصلی ترین این حقوق می باشد، کوتاه نیامد. از این احقاق حق و تلاش در مسیر به دست آوردن آن، می توان به عنوان ویژگی بارز دوران امامت حضرت یاد کرد. از دیگر سو، محبوس کردن امام موسی کاظم (ع) موجب نشد معارف و اندیشه های ایشان حبس شود زیرا برای هدایت جامعه تنها حضور فیزیکی شرط نیست، بلکه حضرت در دوران امامت خود با پرورش شاگردان و حضور در مناظره ها و مباحثه های علمی، به مبارزه با تفکرات مادیگرایانه و نظرهای ملحدانه پرداختند، به گونه ای که در دوران اسارت نیز تاثیر علمی، معنوی و معرفتی حضرت در جامعه وجود داشت. این رفتار حضرت نشان دهنده آن است که عدم حضور فیزیکی امام، مانعی برای هدایت جامعه و مبارزه با نظامهای استبدادی نیست. دوران امامت امام موسی کاظم (ع) در برگیرنده نکات آموزنده ای برای کارگزاران نظام اسلامی است؛ نگاه همه جانبه امام موسی کاظم (ع) به مسایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را باید بهترین ره آورد دوران امامت ایشان برای کارگزاران نظام اسلامی دانست. اگر

دولتمردان نگـاهی تـک بعـدی نسـبت به مسایـل موجود در جامعه داشـته باشـند، تنها حاصل آن ضـرر به تمامی اقشار جامعه است، بنابراین برای اینکه حکومت در اداره جامعه موفق باشد، باید به تمام جوانب اشـراف داشته باشد، زیرا توجه به یک بعد به سایر ابعاد لطمه می زنـد، از این رو بایـد در اداره شـؤون مختلـف جـامعه نه دچـار افراط شـد و نه تفریـط و بهـترین الگو در این مسـیر سـیره و برخورد ائمه (ع) و بویژه امام موسـی کاظم (ع) است. امام موسـی بن جعفر (ع) همان راه و روشـی را در مواجهه با اجتماع، بر محور عمـل و برنـامه ریزی اتخـاذ نمـود که پیشـتر امـام صـادق (ع) در پیش گرفته بود. محورنخست در این برنـامه، برنـامه ریزی فکری و آگاهی دادن عقیدتی در مواجهه با عقاید منحرف و انگیزه ها و وا پس گراییهای شعوبی و نژاد پرستی و عقاید مختلف دینی بود. از خطرنـاکترین این تبلیغـات زهرآگین، تبلیغ افکـار الحادی و کفرآمیز بود که تزریق زهر آن با فعالیت و گسترش در دلهای نوجوانان مسلمان سرازیر شده بود. موضع امام موسی کاظم (ع) در برابر این تبلیغات، آن بود که با دلایل استوار در برابر آن بایستد و با پوچی و بی مایگی آن به معارضه برخیزد و دوری آن را از منطق و واقعیت توضـیح دهـد و عیوب آن را بازگویـد تا آنجا که گروهی انبوه از پیروان آن عقاید به اشـتباه خود و فساد خط مشـی اتخاذی خویش اعتراف کردند و به این جهت جنبش امام درخشـندگی یافت و قدرت علمی آن حرکت منتشـر شد و به گوشـها رسید؛ چندان که گروهی بزرگ از مسلمانان از آن پیروی کردند و آن را پذیرفتند و این امر بر مسؤولاـن حکومت گران آمـد و بـا آنـان بـا شـدت و فشـار و شـکنجه رفتار کردنـد و در زمینه های عقیـدتی آنان را از گفتگو باز داشتند و امام موسی (ع) ناچار شد به هشام (یکی از اصحاب خود) فرستاده ای گسیل دارد و او را هشدار دهد تا به علت خطرهـای موجود، از سـخن گفتن خودداری کنـد و هشـام تـا مرگ مهـدی خلیفه، از سـخن گفتن خودداری کرد. گروهی کـثیر از بزرگـان، دانشـمندان و راویـان حـدیث، از کسـانی که در دانشگاه بزرگ امـام صادق (ع) تحصـیل می کردنـد، هنگام اقامت او در یثرب، گرد امـام موسـی (ع) حلقه زدنـد و ایشان با توانایی و نیروی بسـیار، بر فقه اسلامی، آراء و عقایـد خردمنـدانه خود را در فقه اسلامی ابراز کردنـد. مجموعه هـای بسـیار از احکام اسلامی به ایشان منسوب است که در باب حـدیث و فقه تـدوین شـده است و دانشـمندان و راویان حـدیث همواره با آن افاضات علمی، همـدم بودند و احادیث و گفتگوها و فتواهای او را ثبت می کردند. سـید بن طاووس چنین روایت کرده است که یاران و نزدیکان امام (ع) در مجلس او حاضـر می شدنـد و لوحه های آبنوس در آستین ها داشـتند. هرگاه امام (ع) کلمه ای می گفت یا در موردی فتوا می داد، به ثبت آن مبادرت می کردند. آن دانشمندان همه انواع علوم را بـا تـوجه بـه گونـاگونی و پهنـاوری آن، از ایشـان نقـل کرده انـد. کوشـشـهای علمی او همـه مراکز اسـلامی را فرا گرفتـه بـود و دانشـمندان نسلی پس از نسلی، پیشکش ها و عطایای علمی او را نقل کرده اند. محور دیگر در این فرآیند نظارت مستقیم بر پایگاه های توده ای و طرفداران و پیروان خود و هماهنگی با آنها در پیش گرفتن مواضع سلبی و منفی در برابر حکومت، به منظور ناتوان کردن حکومت از نظر سیاسـی بود. آنچه امام (ع) را واداشت تا چنین موضع استواری داشته باشد، دگرگونی آشکار و گستردگی و انتشـار پایگاههـای مردمی ایشان بود. این مطلب با جنبش امام (ع) و با فعالیتهای منفی او نسبت به حکومت منحرف عباسیان، و فرا خواندن او در حرام دانسـتن یاری با حکومت در هر زمینه از زمینه ها،هماهنگ شده بود. امام (ع) یاران خویش را از شـرکت کردن در سلک حکومت هارون یا پـذیرفتن هرگونه مسؤولیت و وظیفه دولتی بر حذر می داشت چنانکه به زیاد بن ابی اسلمه فرمود:«ای زیاد،اگر از پرتگاهی بلند فرو افتم و پاره پاره شوم، بیشتر دوست دارم تا برای آنان کاری انجام دهم و یا بر بساط کسـی از آنان پای گـذارم. در عین حـال، علی بن یقطین یکی از یـاران بزرگ خویش را از این فرمـان اسـتثنا کرد و اجـازه داد تا منصب وزارت را در روزگـار هارون عهـده دار شود و پیش از او، منصب زمامـداری را در ایام مهـدی بپـذیرد، او نزد امام موسـی (ع) رفت و از او اجازه خواست تـا اسـتعفا دهـد و منصب خود را ترک کنـد. امـا امـام (ع) او را از این کـار بـاز داشت. و به او گفت: «چنین مکن، ما به تو آموخته شده ایم و برادران تو به سـبب تو عزت دارند و به تو افتخار می کنند. شاید به یاری خدا بتوانی شکسـته ای را درمان کنی و دست بینوایی را بگیری یا به دست تو مخالفان خدا درهم شکنند. ای علی، کفاره و تاوان شما، خوبی کردن به برادرانتان است. یک

مورد را برای من تضمین کن، سه مورد را برایت تضمین می کنم. نزد من ضامن شو که هر یک از دوستان ما را دیدی نیاز او را برآوری و او را گرامی داری و من ضامن می شوم که هرگز سقف زندانی به تو سایه نیفکند و دم هیچ شمشیر به تو نرسد و هرگز فقر به سرای تو پای نگذارد. ای علی،هر کس مؤمنی را شاد سازد، اول خدای را و دوم پیامبر را و در مرحله سوم ما را شاد کرده است. محور دیگر در این مقوله را باید موضع آشکار و صریح در احتجاج با کسی که زمامدار حکومت بود دانست. مناظره ایشان (ع) با هارون الرشید در مرقد نبی اکرم (ص) و در برابر توده ای عظیم از اشراف و فرماندهان ارتش و کارمندان عالی رتبه دولت اتفاق افتاد. موضع امام (ع) در برابر هارون، آشکار و روشن بود. امام (ع) در یکی از کاخهای استوار و زیبای هارون که مانند آن در بغداد و جای دیگر نبود، وارد شد. هارون سرمست از قدرت گفت: این سرا چون است؟ امام بی واهمه و اعتنا از قدرت و جبروت او گفت: این سرای فاسقان است. خدای تعالی می فرماید: به زودی کسانی را که در زمین، به ناحق تکبر می ورزند، از آیاتم روی گردان سازم - به طوری که - اگر هر نشانه ای را - از قدرت من - بنگرند، بدان ایمان نیاورند، و اگر راه صواب را ببینند آن را برنگزینند، و اگر راه گمراهی را ببینند آن را راه خود قرار دهند.... (اعراف / ۱۴۶) بیدار کردن وجدان انقلابی امت از راه تشویق آنان برای شورش و مبارزه یکی دیگر از مسایلی است که امام (ع) توجه وافری به آن مبذول می داشت. هنگامی که حسین بن علی بن حسن - صاحب واقعه فخ - بر آن شد تا علیه اوضاع فاسدی که با هر کس که شیعه و علوی و طرفدار امام بود، توهین وشکنجه های شدید اعمال می کرد، شورش کند، نزد امام موسی (ع) رفت و از او در باب قیام خود مشورت کرد. امام روی به او کرد و گفت:«تو به قتل می رسی، از رفتن صرف نظر کن. مردم فاسق اند و به ظاهر ایمان دارند و در دل نفاق و شرک می ورزند، انالله و انا الیه راجعون. خدای شما را از پیروان خود به شمار آورد.»هنگامی که امام کاظم (ع) واقعه قتل حسین را شنید، بر او گریست وسجایای او را بیان کرد و بر او نالید که:«انا لله و انا الیه راجعون. به خدا سوگند، مسلمانی صالح و روزه گیر و قدرتمند که امر به معروف و نهی ازمنکر می کرد و خانواده اش مانند نداشت، درگذشت. امام موسی کاظم (ع) پیشوای تقوا و اسوه مجاهدت سرانجام خود نیز پس از هفت یا ۱۰ سال حبس در روز جمعه هفت صفر یا پنج یا ۲۵ رجب سال ۱۸۳ قمری در ۵۷ سالگی به دست سندی بن شاهک و به امر هارون عباسی مسموم و به شهادت رسید. آن حضرت ۳۵ سال (از ۱۴۸ تا ۱۸۳) ردای امامت را بردوش داشت که ۲۳ سال و دو ماه و هفده روز آن درعصر خلافت هارون الرشید (پنجمین خلیفه عباسی) بود. پیکر پاک آن امام را در «باب التین» در موضعی به نام «مقابر قریش» دفن کردند که امروز به «کاظمین» شهرت یافته است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹